

مجله‌ی مطالعات ایرانی  
مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان  
سال پنجم، شماره‌ی نهم، بهار ۱۳۸۵

## گاهنبارها، جشن‌های دینی ایران باستان\*

دکتر شمس الدین نجمی  
استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

### چکیده

شناخت و معرفی فرهنگ ملی راهی است برای مبارزه با تهاجم بیگانگان و ارایه‌ی اسناد هویت فرهنگی در تعاملات فرهنگی. جشن‌های ایران باستان علاوه بر جنبه‌ی مذهبی، از دیدگاه‌های تاریخی، ملی، گاهشماری، کشاورزی، اقتصادی و اجتماعی قابل توجه و بررسی هستند. در این مقاله برآنیم تا با استناد به منابع دینی و تاریخی به معرفی شش جشن بزرگ مذهبی در آیین مزدیسنا<sup>(۱)</sup> که در طول یک سال خورشیدی در ایران باستان برگزار می‌شده و عمدتاً جنبه‌ی عبادی و شکرگزاری داشته است، بپردازیم.

### واژگان کلیدی

ایران باستان، گاهنبار، جشن‌های دینی، آفرینش، انسان، فرّوهر.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۲/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۴/۱۰/۱۷

نشانی پست الکترونیک نویسنده: Pars-star@yahoo.com

## ۱- مقدمه

گاهنبار (=gāhanbār) و مُخَفَّف آن گَهَنبار و گاهَبار در زبان پهلوی به صورت گاهنبار (=gāhanbār) آمده است. این واژه دو جزء دارد. جزء اول آن گاس (=gās یا gāh) (در اوستا<sup>(۲)</sup>) گاتو (=gātu) به معنی گاه و زمان است. درباره‌ی جزء دوم<sup>(۳)</sup> آن زبان‌شناس‌ها گمان‌های مختلف زده‌اند. آنچه بیشتر مورد اتفاق است، این است که جزء اخیر از کلمه‌ی اوستایی (yairyā صفت) و به معنی سالانه و فصلی است. در خود اوستا هم اغلب «یئیریه» به جای واژه‌ی «گاهنبار» استفاده شده و بلافاصله پس از آوردن این کلمه، مرتباً از شش گاهنبار یا جشن‌های ششگانه‌ی سال نام برده شده است. (یسنا<sup>(۴)</sup> - فصل ۱ و ۲ - بند ۹).

گاهنبار: به جشن‌های ششگانه‌ی سال گفته می‌شده که خداوند بزرگ در آن ایام، عالم را آفرید و زرتشتیان هر یک از این جشن‌ها را در زمانی خاص از سال به مناسبت برگزار می‌کرده‌اند. مدت هر یک از این جشن‌ها ۵ روز بوده که مهم‌ترین روز جشن، آخرین روز آن بوده و ۴ روز پیش از آن در حکم مقدمات جشن می‌باشد.

### ۱-۱- نام این جشن‌ها و هنگام برگزاری و مناسبت

۱. میدیوزرم گاه (madyōzarem gāh): جشنی که در چهل و پنجمین روز سال «دی به مهر»<sup>(۵)</sup> روز پانزدهم اردیبهشت هنگامی که زمین سرسبز و خرم شده است، برگزار می‌شده است.
۲. میدیوشم گاه (madyōšam gāh): جشنی که در یکصد و پنجمین روز سال در روز «دی به مهر»، روز پانزدهم تیرماه گرفته می‌شده است.
۳. پینه شهم گاه (paitiašahim gāh): جشنی که در یکصد و هشتادمین روز سال در «انارم = انیران» روز سی‌ام شهریورماه، هنگامی که گندم می‌رسیده و خرمن به دست می‌آمده، برگزار می‌شده است.
۴. ایا سَرَم گاه (ayāsarim gāh): جشنی که در دویست و دهمین روز سال «انارم = انیران» روز سی‌ام مهرماه، هنگامی که گله‌ها از چراگاه‌های تابستانی باز می‌گشتند، گرفته می‌شده است.

۵. مید یارم گاه (mēdyārem gāh) (=میان سال): جشنی که در دویست و نودمین روز سال در «بهرام روز»، بیستم دی ماه، هنگامی که سرما آغاز می‌شده، برگزار می‌شده است.
۶. همس پت مدم گاه (hamaspat maidim gāh): که در آخرین روز اندرگاه (=خمسه‌ی مسترقه)<sup>(۶)</sup> در روزی که پیشاهنگک بهار و هنگام فرود «فروهرها»<sup>(۷)</sup> از آسمان به زمین است، گرفته می‌شده است. جشن فروردین یکی از شش جشن بزرگ یا آخرین گهنبار سال است. این جشن‌ها امروز هم در میان زرتشتیان برگزار می‌شود. (آثار الباقیه ص ۴-۲۶۳ و ۶-۲۹۵، دایره‌المعارف فارسی مصاحب، ج ۲).

## ۲- فلسفه‌ی برگزاری گاهنبارها

در آیین مزدیسنا، گاهنبارها، دوره‌های آفرینش جهان می‌باشند. همانطوری که در تورات<sup>(۸)</sup>، در سفر پیدایش در باب اول آمده است: «خداوند بزرگ در مدت شش روز، آسمان‌ها، زمین، روشنایی، آب، گیاه، خورشید، ستارگان، جانوران و انسان را بیافرید و در هفتمین روز بیاسود.» (کتاب مقدس، باب اول، ص ۳)<sup>(۹)</sup>

در آیین و اعتقاد مزدیسنان (= پیروان زرتشت) هم، اهورامزدا جهان را در شش بار (=مرحله) بیافرید، اما نه مانند «یهُوه»<sup>(۱۰)</sup> در یک هفته، بلکه در مدت یک سال. در فصل ۲۵ بندهش<sup>(۱۱)</sup> آمده است:

اهورامزدا می‌گوید: «که آفرینش جهان در ۳۶۵ روز توسط من انجام گرفت و شش جشن گهنبار در هر سال (بدین مناسبت) قرار داده شده است.»

یادآوری این نکته ضروری است که برابر داستان آفرینش در آیین زرتشت، پیش از آفرینش جهان مادی، مدت سه هزار سال جهان مینوی وجود داشت و پس از انقضای این مدت، یعنی هزاره‌ی دوم<sup>(۱۲)</sup> جهان جسمانی یا مادی ترکیب و به وجود آمد و همانطور که گفته شد، این خلقت در شش بار و در طول یکسال صورت گرفت. در خرده اوستا<sup>(۱۳)</sup>، در بخش آفرین گهنبار، فاصله‌ی آن‌ها نسبت به یکدیگر مشخص شده است.

نخستین گهنبار سال، «میدیوزرم» نامیده می‌شود. در این روز آسمان خلق گردید. این جشن در اردیبهشت ماه و روز «دی به مهر»، روز پانزدهم، واقع می‌شود.

دومین گهنبار، «میدیوشهم» نام دارد. در این روز آب به وجود آمد. این جشن در تیرماه، در روز «دی به مهر»، روز پانزدهم، واقع می‌شود.

سومین گهنبار، را «پیته شهم» می‌گویند. در این روز زمین آفریده شد. این جشن در شهریور ماه در «انیران روز»، روز سی‌ام، برگزار می‌گردد.

چهارمین گهنبار، «ایاسرم» خوانده می‌شود. در این روز گیاه و رویدنی‌ها خلق گردید. زمان برگزاری آن مهرماه در روز «انیران»، روز سی‌ام مهر، می‌باشد.

پنجمین گهنبار، «میدیارم» نام دارد. این روز به آفرینش جانوران اختصاص دارد که در دی ماه و روز «بهرام»، روز بیستم دی، واقع می‌شود.

ششمین گهنبار «همسپتیمدم» نامیده می‌شود. در این روز انسان آفریده شده است. این جشن در آخرین روز کیسه سال که وهشتوایشت<sup>(۱۴)</sup> (wahištō išt) نامیده می‌شود، واقع می‌گردد. هر یک از این جشن‌ها، پنج روز طول می‌کشیده است. روزهایی که برای هر یک از گهنبارها معین گردیده، آخرین و مهم‌ترین روز آن جشن است. فاصله‌ی این گهنبارها طبق آنچه در آخرین گهنبار در خرده اوستا آمده است، نسبت به یکدیگر غیرمساوی و بدین شرح می‌باشد:

از نخستین گهنبار تا آخرین روز دومین گهنبار، (۶۰ روز). از دومین گهنبار تا آخرین روز سومین گهنبار، (۷۵ روز). از سومین گهنبار تا آخرین روز چهارم، (۳۰ روز). از چهارمین گهنبار تا آخرین روز گهنبار پنجم، (۸۰ روز)، از پنجمین گهنبار تا آخرین روز ششمین گهنبار، (۷۵ روز) و از ششمین گهنبار تا آخرین روز نخستین گهنبار (۴۵ روز) فاصله است. بنابراین، نخستین گهنبار در چهل و پنجمین (۴۵) روز سال، دومین گهنبار در یکصد و پنجمین (۱۰۵) روز سال، سومین در یکصد و هشتادمین (۱۸۰) روز سال، چهارمین در دویست و دهمین (۲۱۰) روز سال، پنجمین در دویست و نودمین (۲۹۰) روز سال و ششمین گهنبار در سیصد و شصت و پنجمین (۳۶۵) روز سال واقع می‌شود. البته باید توجه داشت که زمان آفرینش آسمان، زمین، آب، گیاه، جانور و انسان و مشخص بودن خلقت هر کدام در یکی از گهنبارها به ترتیبی که گفته شد، یک تصور متأخر است. اما معلوم می‌شود که از یک منشأ و آبخور بسیار قدیمی تر گرفته شده باشد. چه، در فروردین یشت، فقره‌ی ۸۶ ترتیب یاد شده،

منظور شده و مرتباً به فروهر آسمان، زمین، آب، گیاه، جانور و انسان درود فرستاده می شود. (یشتها، ج ۱، ص ۵۹۴-۵۹۵).

چنانکه اشاره شد، هر یک از این جشن‌های ششگانه‌ی سال پنج روز طول می کشد. ولی در هنگام ششمین گهنبار که خلقت انسان در ایام آن صورت گرفته، فروهرهای نامداران و در گذشتگان مقدس و نیکوکاران، به زمین می آیند و مدت ده شب در روی زمین توقف می کنند. یعنی از روز بیست و ششم اسفندماه تا آخرین روز پنجه وه (=خمسه‌ی مسترقه). در فروردین یشت در فقره‌ی ۴۹ هم چنین آمده است: «فروهرهای مقدس و نیک و توانای پاکان را می ستایم که در هنگام همسپتمدم (شب و روز اول سال) از آرامگاه‌های خویش پرواز کرده، ده شب پی در پی در این جا (زمین) به سر می برند».

ابوریحان بیرونی هم در «آثار الباقیه»<sup>(۱۵)</sup> در خصوص این جشن آخرین گهنبار سال می نویسد: «که این عید ده روز طول می کشید. آخرین پنج روز اسفند را نخستین فروردگان و پنجه وه را دومین فروردگان می گفته اند». برابر گفته‌ی تاریخ نگاران هم می دانیم که این جشن ده روز بوده است، خسرو اول انوشیروان، در مدت ده روز جشن فروردگان، سفیر امپراتور رم، (ژوستین = Justin) را نپذیرفت، چون مشغول به جای آوردن مراسم عید بود (دارمستر<sup>(۱۶)</sup>، زند اوستا، ج ۲، ص ۳-۵). اما امروز، زرتشتیان به پیروی از یک سنت قدیم، ده روز پایان سال را "فروردگان" می خوانند و تشریفات خاص مذهبی را به جای می آورند. در ایران هم در آغاز سال نو خورشیدی، روزی که خورشید وارد برج حمل<sup>(۱۷)</sup> (=بره) می شود، جشن فروردین است. یعنی نخستین ماه سال که به مناسبت نزول فرورها (ارواح پاک) از آسمان به زمین «فروردین» نام دارد. (یشتها، ج ۱، ص ۵۹۶).

### ۳- جشن فروردین یا نوروز

جشن فروردین یکی از شش جشن بزرگ سال است که در آخرین روز گهنبار ششم شروع می شود. در آیین مزدیسنا، به ایام خلقت بشر اختصاص دارد. این جشن از نخستین روز بهار همراه با سرسبزی طبیعت و شادی و سرور آغاز می شود. خانواده های زرتشتی، سه سینی از سبزه به نماد "اندیشه‌ی نیک، گفتار نیک و کردار نیک" بر خوان (سفره‌ی هفت سین) می گذارند

تا موجب فراوانی نعمت در سال نو شود. رنگ سبز نماد مَلّی ایرانیان و نماد آمداد امشاسپند<sup>(۱۸)</sup> می‌باشد. سَمنو نماد فراوانی برای زایش و باروری گیاهان توسط فروهرهاست. سنجد و شکوفه سرچشمه‌ی دلدادگی است. آب نماد حیات و خورداد امشاسپند است. سیب سرخ (میوه‌جات) نماد سپندارماد امشاسپند، سکه نماد شهریور امشاسپند و شیر و تخم مرغ نماد وهمن امشاسپند است. آینه، نان، پنیر، سبزی، نقل، شیرینی، آجیل و جز آن را بر خوان می‌گذارند که همگی نمادی از داده‌ها و نعمت‌هایی الهی می‌باشند. (مقدمه‌ی سالنمای انجمن زرتشتیان کرمان، سال ۱۳۸۳).

این عدد هفت، از قدیم در ایران بوده است که به هفت امشاسپندان و یا بزرگترین فرشتگان الهی در آیین مزدیسنا مربوط است. این رسوم که از روزگاران کهن به یادگار مانده، اساساً برای آن بوده است که فرَوهرهای مقدّسین و نامداران و نیکوکاران و در گذشتگان خانواده‌ها که از آسمان فرود می‌آیند و چند روزی برای دیدار و سرکشی از خانواده‌های خود روی زمین خواهند بود، از خانه و زندگی بستگان و از دینداری و پرهیزگاری و داد و دهش بازماندگان خویش راضی و خشنود گشته و از درگاه خداوند بزرگ برای آن‌ها خوشی، شادمانی و تندرستی بخواهند.

تاریخ نگاران قدیم هم غالباً از جشن فروردین یا نوروز یاد کرده‌اند. به ویژه آنچه ابوعثمان در کتاب «المحاسن و الأضداد» و ابوریحان بیرونی در «آثار الباقیه» نوشته‌اند، قابل توجه است. به واسطه‌ی نزدیکی زمان این دو دانشمند به دوره‌ی سامانیان، کلیه‌ی اطلاعات آنان راجع به نوروز و فروردجان (=فروردگان) یادآور اساس مذهبی این دو جشن است.

ابوریحان می‌نویسد که: «در ایام فروردینگان در فارس و خوارزم برای پذیرایی از ارواح، در اتاق مردگان و بالای بام خانه‌ها غذا می‌گذرانند و بوی خوش بخور می‌دهند. گذشته از آنکه نخستین ماه سال خورشیدی به نام «فَرَوهر» است و نوزدهمین روز از ماه فروردین هم «فروردگان» نام دارد و مطابق شدن اسم روز با اسم ماه را هم جشن می‌گیرند.» (آثار الباقیه، ص ۲۶۴-۲۶۳).

نوروز از نخستین روز بهار برابر با «روز اورمزد» از فروردین ماه آغاز می‌شود. بنابر روایت‌های تاریخ نگاران، در روزگار باستان، این جشن یک ماه طول می‌کشیده، ولی امروز تا سیزده روز ادامه دارد. نوروز، بزرگترین جشن مَلّی ایران است که از روزگاران بسیار دور، برای ما به یادگار مانده است. بنیاد این جشن را به جمشید شاه پیشدادی نسبت می‌دهند و حتی امروز این

جشن به نام «نوروز جمشیدی» معروف است. حکیم عمر خیام در «نوروزنامه»<sup>(۱۹)</sup> درباره‌ی نوروز می‌نویسد: «سبب نام نهادن نوروز آن بوده است که چون بدانند که آفتاب (خورشید) در هر ۳۶۵ شبانه روز و رُبعی به اول دقیقه‌ی حَمَل باز آید، به همان وقت و روز که رفته بود و چون جمشید آن را دریافت، «نوروز» نام نهاد و جشن برپا کرد و مردم از او پیروی کردند. (نوروز نامه، ص ۳).

فردوسی توسی در شاهنامه درباره‌ی نوروز می‌فرماید:

سر سال نو، هرمنز فرودین	بر آسوده از رنج تن دل ز کین
به جمشید بر، گوهر افشاندند	مر آن روز را، روز نو خواندند
بزرگان به شادی بیاراستند	می و رود و رامشگران خواستند
چنین جشن فرخ از آن روزگار	بمانده از آن خسروان یادگار

نوروز فصل گل و ریحان و سرسبزی باغ و بوستان است. در این ایام دشت و صحرا سبز و خرم است و باد بهاری درختان را شکوفا می‌کند و لباس نو می‌پوشاند. نوروز جشن نوزایی طبیعت است و مردمان هم به نشانی هماهنگی با طبیعت لباس نو می‌پوشند. (مقدمه‌ی سالنمای انجمن زرتشتیان ۱۳۸۴).

اشاره به این نکته هم لازم است که نباید در گذاشتن اشیایی با حرف سین یا حروف دیگر بر خوان نوروزی پافشاری کرد. بلکه باید بهترین داده‌های خداوندی بر خوان باشد. زرتشتیان در نخستین بامداد نوروز در کنار چهار چوب پایین در ورودی خانه‌ی خود، مقداری برگ آویشن می‌ریزند که نشانه برپایی جشن و سرور در آن خانه است و سپس، به نیایشگاه محل زندگی خود می‌روند تا سال نو را با هم‌آزوری (همبستگی) و با یکدیگر و نیایش به درگاه خداوند بزرگ آغاز نمایند و سپس، به دیدار بزرگان و آشنایان می‌روند.

#### ۴- نتیجه

در این مقاله، سعی شد با استناد به منابع و مآخذ تاریخی، جشن‌های دینی ایران باستان (در ارتباط با آفرینش جهان از دیدگاه اساطیر ایرانی) و زمان و علت برگزاری آن‌ها و سپس، جشن نوروز یا فروردینگان را از دیدگاه دینی و ملی معرفی می‌کنیم. تا از این رهگذر دانش پژوهان و

دانش جویان با گوشه‌ای از تاریخ و فرهنگ پر بار ایران و بخشی از میراث فرهنگی سرزمین آشنا شوند.

### یادداشت‌ها

- ۱- آیین مزدیسنا، مزدیسنی، (=اوستا - mazdayasna): این صفت مرکب است از: مزده به معنی دانا و در عرف آیین زرتشتی به خدای بزرگ اطلاق می‌شود + یسنه = یسنا به معنی ستایش و کلمه‌ی مرکب مزبور به معنی پرستنده‌ی مزدا است. خدایی که زرتشت به جهانیان معرفی کرده است. زرتشتیان هم این کلمه را به دو صورت فوق تلفظ می‌کند. مزدیسنا، در برابر دیویسنا است که به معنی پرستنده‌ی دیو و پیرو کیش باطل است.
- ۲- اوستا (=Avestā): کتاب مقدس ایرانیان باستان و زرتشتیان که شامل پنج بخش است. ۱- یسنا (= شامل گاتها و غیر آن ۲- یشتها ۳- ویسپرد ۴- وندیداد ۵- خرده اوستا. بخش‌های گوناگون اوستا در زمان‌های مختلف توسط اشخاص متعدد تألیف شده است. و از آن میان سرودهای معروف به گاتها از خود زرتشت است. مندرجات اوستا عبارت است از نیایش اهورامزدا و امشاسپندان و ایزدان، تکالیف انسان در جهان، بهشت و دوزخ و داستان‌های ملی.
- ۳- بار = bār در متون دوره‌ی میانه، به معنی دفعه، مرتبه و دوره آمده است.
- ۴- یسنا: (=yasnā) هم ریشه با یشت. در لغت به معنی پرستش، ستایش، نماز، جشن و در اصطلاح، یکی از بخش‌های پنجگانه‌ی اوستا و مهمترین آن‌هاست که در مراسم دینی خوانده می‌شود. یسنا شامل ۷۲ فصل است.
- ۵- دی به مهر: در گاهشماری اوستا، سی روز ماه، هر کدام نام ویژه‌ای دارد و دوازده ماه سال هم هر کدام دارای نامی خاص می‌باشند. این نام‌ها بر گرفته از اسامی امشاسپندان و ایزدان در آیین زرتشت است، اسامی روزهای ماه عبارتند از:
  - ۱- اورمزد، (هرمزد) ۲- بهمن ۳- اردیبهشت ۴- شهریور ۵- اسپندارمد ۶- خرداد ۷- آرمات ۸- دی (دی به آذر) ۹- آذر ۱۰- آبان ۱۱- هور (خور - خیر) ۱۲- ماه ۱۳-



- تیر ۱۴- گوش ۱۵- دی (دی به مهر) ۱۶- مهر ۱۷- سروش ۱۸- رشن ۱۹- فروردین (فَرَوَهر) ۲۰- ورهرام (بهرام) ۲۱- رام ۲۲- باد ۲۳- دی (دی به دین) ۲۴- دین ۲۵- ارد ۲۶- اشتاد ۲۷- آسمان ۲۸- زامیاد ۲۹- مهراسپند (مارا سپند) ۳۰- انارم (انیران).
- ۶- خمسه‌ی مُسترقه: مراد پنجه‌ی دزیده یا اندرگاه است. توضیح اینکه در ایران باستان یک سال خورشیدی دارای ۱۲ ماه سی روزه بود و سال سیصد و شصت و پنج روز. بنابراین، هر سال خورشیدی پنج روز کم داشت. برای جبران آن در پایان هر سال، پنج روز به نام (پنجه‌ی دزیده) می‌افزودند تا سال خورشیدی کامل و به سیصد و پنج روز برسد.
- ۷- فَرَوَهرها: در اوستا پنج نیروی باطنی برای انسان تشخیص داده شده است. برخی بی-آغاز و بی‌انجام، برخی فناپذیر و برخی دیگر مُحدث و فعال که بعد از حیات هم جاودانی و ابدی می‌باشند. فروهر یا فَرَوَشی نیروی پنجم از این نیروهاست. فروهر، موظف است از وقتی که نطفه‌ی انسان بسته می‌شود تا دم مرگ او را محافظت کند. فروهر آدمی پس از مرگ به عالم بالا می‌رود، ولی با صورت جسمانی خود ترک علاقه نمی‌کند و بازماندگان و درگذشتگان همواره منظور نظر او هستند و از ساحت خداوند بزرگ خوشی و خرمی آنان را خواستار است.
- ۸- تورات (= turāt) نام پنج کتاب اول عهد عتیق (تکوین، خروج، احبار و عدد و تثنیه) معروف به شریعت موسی با اسفار خمسه که به اعتقاد یهودیان در کوه سینا بر موسی نازل شده است، تورات با وصف ابتدای آفرینش شروع و با بیان مرگ حضرت موسی خاتمه می‌پذیرد. دستورات اصلی آن مربوط به راه و رسم زندگی و اصول اخلاقی و جسمانی است.
- ۹- در قرآن مجید هم در سوره‌ی فرقان آیه‌ی ۵۸ و سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۳ آمده است که خداوند بزرگ آسمان و زمین (جهان را) در شش روز خلق نمود.
- ۱۰- یَهُوه: نام رمزی خدای یگانه در دین یهود است. این نام در کتاب مقدس عهد عتیق (تورات) بسیار دیده می‌شود. ایرانیان قدیم و حتی مقدسین یهود در روزگار ما این نام را تلفظ نمی‌کرده و نمی‌کنند. زیرا معتقدند که نام (یَهُوه) یا خدای یگانه، بسیار بزرگ است و به زبان راندن آن سبب گناه می‌شود. در تورات هنگامی که به این نام

- می‌رسند، آن را ادونی = Adonai یعنی خداوند بزرگ می‌خوانند. این کلمه نام رمزی برای خداوند و ذات مقدّس الهی است، مانند کلمه (هو) نزد مسلمانان.
- ۱۱- بُنْدَهَش: (اصل خلقت، سفر پیدایش) کتابی است به زبان پهلوی و آن خلاصه‌ای است از اوستای ساسانی و زند. در موضوع تکوین جهان و قصص و اساطیر و طبیعات و غیره.
- ۱۲- هزاره‌ی دوم: به موجب روایات و داستان‌هایی که در کتاب‌های پهلوی چون بُنْدَهَش و زاداسپرم آمده است، دوران عمر جهان از ابتدا تا پایان، دوازده هزار سال است. این دوران به ۴ عصر تقسیم می‌شود که هر عصری سه هزار سال می‌شود. دومین دوره از این دوره‌های چهارگانه مربوط به آفرینش جهان مادی است که آسمان، آب، زمین، گیاه و جانور و انسان توسط خدای بزرگ خلق می‌شوند.
- ۱۳- خُرده اوستا: یکی از بخش‌های پنجگانه‌ی اوستا، آذرباد مہراسپندان این کتاب را تدوین کرد. این کتاب برای نماز و ادعیه، اوقات روز و ایام متبرک ماه و اعیاد دینی تخصیص داده شده و مطالب آن از اوستای بزرگ استخراج شده است.
- ۱۴- به معنی اعتدال و تساوی میان گرمی و سردی و مساوی شدن شب و روز.
- ۱۵- آثار الباقیه: عنوان کاملش، آثار الباقیه عن القرون الخالیه یکی از آثار معروف ابوریحان بیرونی در گاهشماری ملل قدیم و بسیاری از مطالب ریاضی و نجومی و غیر آن است. این کتاب را ابوریحان حدود سال ۳۹۵ ق که در دربار شمس المعالی قابوس و شمشگیر به سر می‌برد، به نام آن پادشاه تالیف کرد.
- ۱۶- دارمستتر (Darmesteter): ایران شناس و اوستا دان فرانسوی (۱۸۹۴-۱۹۴۹ م). از آثار اوستا. تتبعات ایرانی در دو جلد (در مباحث لغوی و دستور زبان‌های ایرانی)، زنداوستا در سه جلد، مبانی شعر پارسی، مهدی، مقاله‌ی اساطیر اوستا، اورمزد، اهریمن، ترجمه‌ی ونیدیا، ترجمه‌ی یشتها و نظری به تاریخ ایران.
- ۱۷- برج حَمَل: تقویم خورشیدی یا اعتدالی که فاصله‌ی زمانی دو عبور متوالی خورشید از اعتدال ربیعی و مساوی با ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۶۶ ثانیه است. به دوازده برج یا ماه تقسیم شده که عبارتند از: ۱- برج حَمَل (برّه) ۳۰ روز. ۲- برج

- ثور (گاوتر) ۳۱ روز. ۳- جوزا (دو قلو) ۳۱ روز. ۴- سرطان (خرچنگ) ۳۱ روز. ۵- اسد (شیر) ۳۱ روز. ۶- سنبله (خوشه) ۳۱ روز. ۷- میزان (ترازو) ۳۱ روز. ۸- عقرب (گژدم) ۲۹ روز. ۹- قوس (کمان) ۳۰ روز. ۱۰- جدی (بزغاله) ۲۹ روز. ۱۱- دلو (ظرف آب) ۳۰ روز. ۱۲- حوت (ماهی) ۳۰ روز.
- ۱۸- امشاسپند (amšāspand): در دین زرتشت به هفت فرشته‌ی ارجمند و مُقرب گفته می‌شود. که عبارتند از: اردی بهشت، خورداد، مرداد، شهریور، بهمن و اسپندارمد. در آغاز پیدایش آیین زرتشت در راس این شش فرشته، سپنتامینو (خرد مقدس) قرار داشت، ولی بعدها به جای او اهورامزدا را قرار دادند و گاه نیز به جای اهورامزدا، سروش را جای داده‌اند.
- ۱۹- نوروزنامه: رساله‌ای است به فارسی منسوب به حکیم عمر خیام نیشابوری. مؤلف در این رساله، علت پیدایش نوروز و بنیان گذار آن و آداب و رسوم شاهان ساسانی را در این جشن شرح می‌دهد و همچنین، از شاهان داستانی و تاریخی ایران تا زمان یزدگرد شهریار ساسانی و آیین جهاننداری و رسوم شاهی ایشان مطالبی آورده است.

### کتابنامه

- ۱- اوستا: گزارش و تفسیر ابراهیم پور داوود، نگارش جلیل دوستخواه، (۱۳۶۶)، انتشارات مروارید، تهران.
- ۲- اوشیدری، جهانگیر، (۱۳۷۱)، دانشنامه‌ی مزدیسنا، انتشارات نشر مرکز، تهران.
- ۳- آذرگشب، اردشیر، (۱۳۵۶)، آیین برگزاری جشن‌های ایران باستان، انتشارات بنیاد فرهنگ آریایی، تهران.
- ۴- آموزگار، ژاله، (۱۳۸۰)، تاریخ اساطیری ایران، انتشارات سازمان (سمت تهران).
- ۵- بیرونی، محمدبن احمد، (۱۳۵۲)، آثارالباقیه، ترجمه‌ی اکبر دانا سرشت، تهران، انتشارات ابن سینا.
- ۶- بزرگ زاد، حبیب الله، (۱۳۵۰)، جشن‌ها و اعیاد ملی و مذهبی در ایران قبل از اسلام، اصفهان.

- ۷- پور داود، ابراهیم، (۱۳۲۶)، فرهنگ ایران باستان (بخش نخست) انتشارات فرهنگ ایران زمین، تهران.
- ۸- تبریزی، محمدبن حسین بن خلف (متخلص به برهان)، (۱۳۶۱)، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۹- حکیم عمر خیام نیشابوری، (۱۳۸۰)، نوروزنامه، به تصحیح مجتبی مینوی، انتشارات اساطیر، تهران.
- ۱۰- خرده اوستا، جزوی از اوستا، تفسیر و گزارش ابراهیم پورداود، (۱۳۱۰).
- ۱۱- سالنمای سال ۱۳۸۴ خورشیدی، انجمن زرتشتیان کرمان، تهران، (۱۳۸۴) خورشیدی.
- ۱۲- شاه حسینی، ناصرالدین، (۱۳۵۶)، تمدن و فرهنگ ایران، تهران.
- ۱۳- قاموس کتاب مقدس، ترجمه و تالیف مسترهاکس، انتشارات اساطیر، بیروت (۱۹۲۸ م).
- ۱۴- قرآن مجید، سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۵۸ و سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۳.
- ۱۵- کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید)، ترجمه از زبان‌های اصلی، عبرانی، کلدانی و یونانی، انتشارات انجمن کتاب مقدس ایران، تهران، (۱۳۸۳).
- ۱۶- کریستین سن، آرتور، (۱۳۵۱)، ایران در زمان ساسانیان، انتشارات کتابخانه‌ی ابن سینا، تهران.
- ۱۷- مُصاحب، غلامحسین و همکاران، (۱۳۸۰)، دایرةالمعارف فارسی، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی (موسسه فرانکلین)، (سه جلد)، تهران.
- ۱۸- یسنا، جزوی از اوستا (ج ۱) تفسیر و گزارش، ابراهیم پور داود، (۱۹۳۸ م)، انتشارات انجمن زرتشتیان، بمبئی.
- ۱۹- یشتها، جزوی از اوستا (ج ۱)، تفسیر و گزارش ابراهیم پور داود، (۱۳۵۷)، انتشارات دانشگاه تهران.